

در برابر تعرض سرمایه داران به حقوق کارگران باید ایستاد!

بررسی‌چگونگی تغییر قانون کار وحد وحدود این تغییرات را طبق رهنمودها والگوهای سرمایه بین المللی و "سازمان جهانی کار" پی‌گیری و دنبال می‌کرد، سرانجام نتیجه نهایی کارخود را رأبته نه به طور شفاف و کامل، بلکه ناقص و با درنظر گرفتن پاره‌ای ملاحظات اعلام نمود. از همین ملاحظاتی که سرمایه‌داران و دولت پاسدارمنافع آنها دراعلام و علني ساختن یکباره‌ی تمام این تغییرات و تصمیمات به‌کارمی‌برند، می‌توان به درجه وقاحت سرمایه‌داران و تعرض خشن آنان علیه کارگران و ابعاد فاجعه‌آمیزی که

صفحه ۳

در ادامه تعرضاً همه جانبیه سرمایه داران علیه کارگران، و پی‌از چند سال کشاورزی بر سر تغییر قانون کار، سرانجام این تعرض به عرصه قانون کار نیز تعیین یافت. طبقه سرمایه دار که در این مورد از حمایت و پشتیبانی بی‌بروپرگرد مجلس و کابینه خاتمه‌ی برخوردار است، به قانون کاری که دوده‌ی پیش‌در شرایط سیاسی و توازن قوای دیگری مصلحتاً پذیرفته شده بود، دست - اندازی کرد و با ایجاد تغییر در آن، زمینه کسب سودهای بیشتر و تشید استثمارخشن و بی‌قید و شرط کارگران را بیش از پیش مهیا ساخت. هیئت سجانهای که مدت‌هاست

هدف و نتایج لوایح جدید

بکی از نشانه‌های باز بحران قدرت در ایران، کشمکش و منازعه‌ی بی‌پایان جناح‌های هیئت حاکمه و عمیق‌ترشدن بحران درستگاه دولت و حکومت است. هرتلاشی از سوی هیئت حاکمه و باندهای درونی آن برای غلبه بر بحران، چند سال‌اخیر به وضوح این حقیقت را نشان داده است.

ارائه دو لایحه از سوی خاتمه‌ی به مجلس ارتجاع اسلامی و تشید تضادها و درگیری - های لفظی دوجناح در هفته گذشته نیز بیان دیگری از همین حقیقت است.

در هفته‌ای که گذشت رئیس جمهور حکومت اسلامی لایحه "تبیین اختیارات رئیس‌جمهوری" به منظور بسط اختیارات خود و هم زمان با آن لایحه "اصلاح قانون انتخابات" را به منظور حذف ناظرات استصوابی شورای نگهبان با هدف محدود کردن حیطه اقتدار جناح رقیب به مجلس ارائه داد. توجیه و دست آویز استدلال هرچه باشد و ناگفته روش است که به قصد عوام‌فریبی به نام مردم و منافع آنها ایرازمی‌شود، اما در واقعیت امرچیزی نیست مگر منازعه درونی در بالا، بر سرتاکتیک‌های مهار بحران و سهم و نقش هر یک از دوجناح در قدرت.

این که چرا این دو لایحه، اکنون به مجلس ارائه می‌شوند و در این مقطع زمانی به مسئله مورد مشاجره درونی هیئت حاکمه تبدیل می‌گردند، خود بیانگر اهداف نهفته در آنهاست. در واقع، مسئله از این قرار است که جناح مسلط هیئت حاکمه به رهبری خامنه‌ای که ارگان‌ها و نهادهای اصلی ماشین دولتی نظیر ارتش، سپاه، بسیج، پلیس، دادگاهها را در صفحه ۲

عواقب یک بدھی هشتاد میلیارد دلاری

میزان بدھی که رژیم جمهوری اسلامی تنها از منابع خارجی برای توده‌های رحمتکش مردم ایران ایجاد نموده، چه مقدار است؟ مقامات دولتی و مراکزوابسته به رژیم، هر یک رقمی از ۲۱ میلیارد تا ۸۰ و حتاً ۱۰۰ میلیارد دلار را اعلام کرده‌اند. به رغم این که رژیم، همواره رقم واقعی بدھی‌ها را پنهان نگاهداشته است، اما بدیهی بود که به ویره با توجه به سیاست‌های اقتصادی خاتمی، باید رقمی بسیار فراتر از آن چیزی باشد که بانک مرکزی رسم اعلام می‌کند. با این وجود به جز افراد معدودی از درون خود رژیم، کسی نمی‌دانست که این رقم هم اکنون بمحدود ۸۰ میلیارد دلار رسیده است. این میزان کلان بدھی‌های رژیم، چند روز پیش بر ملا شد که محمد هاشمی، برادر هاشمی رفسنجانی، دریک مصاحبه با روز نامه جمهوری اسلامی به دفاع از عملکرد هاشمی رفسنجانی در دوره ۸ ساله ریاست جمهوری اش برخاست. وی در پاسخ به اظهارات خاتمی که چندی پیش در گزارش عملکردش گفته بود در این دوره ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار از بدھی‌های دوره رفسنجانی را باز پرداخت کرده است، چنین پاسخ داد:

صفحه ۸

وحشی‌گری جدید حکومت اسلامی

در ساعت ۵/۵ تا ۶ بامداد روز یکشنبه ۷ مهر ماه، ۵ جوانی که سن آنها بین ۲۰ تا ۲۵ سال اعلام شد، در میدان های آزادی و استقلال لویزان تهران به دار کشیده شدند. دستگاه قضایی حکومت اسلامی جرم آنها را ریودن زنها و دختران جوان و اذیت و آزار آنان اعلام نمود و با همین اتهام آنها را به اعدام در ملاء عام محکوم نمود.

صفحه ۲

دراین شماره

تظاهرات مردم جهان علیه سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا

گزارشی از غرفه تشکیلات خارج کشورسازمان در جشن اولماهیته

گزارشی از انتخابات سوئد

پشت پرده انتخابات در سوئد و ریاکاری جریانات راست

تداوی اعترافات علیه سیاست‌های اقتصادی امپریالیستی

مواسم چهاردهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

خبری از ایران

هدف و نتایج لوایح جدید

سرکوب و فشار علیه حزب کمونیست فیلیپین و رهبران آن را محکوم می‌کنی!

تشدید فشار اتحادیه اروپا علیه احزاب و سازمان‌های سیاسی فیلیپین

شخصی رفیق سی‌سون و همسرش بلوکه شده و گذران زندگی روزمره رفیق و خانواده‌اش مختل شده است. منزل واثایه‌ی وی از طرف اداره وابسته به تامین اجتماعی هلنند، ضبط و از محل مسکونی اش اخراج شده است. رفیق سی‌سون و اعضاء خانواده اش قریب به یک ماه است که آواره و بدون هرگونه تامین مالی به سر می‌برند. لازم به ذکر است که دولت هلنند و سایر دول اروپایی کلیه حساب‌های بانکی احزاب و سازمانهای فوق را بلوکه کرده و مانع از فعالیت و تردد فعالین و اعضاء آنها هستند. اقدامات سرکوب‌گرانه و ضد دمکراتیک علیه رفیق سی‌سون موجی از اعتراض و انزجار را برانگیخته است. دهها سازمان و جریان سیاسی در سطح جهان با محکوم کردن تصمیم اتحادیه اروپا مبنی بر "تروریست" خواندن این جریانات، فشار بر رفیق سی‌سون و خانواده‌اش را محکوم نمودند. سازمان ما نیز با ارسال پیامی، اقدامات فوق را محکوم نموده است. از دیگر جریانات حمایت کننده می‌توان از جبهه آزادیبخش خلق برای آزادی فلسطین (FARC) ، حزب کاربیلریک، حزب سوسیالیست هلنند نام برد. همچنین آکسیونها و میتینگ‌های متعددی در هلنند، آلمان، سوئیس و انگلیس در حمایت از رفیق سی‌سون برگزار شده است.

در ادامه سیاست اعمال فشار دول امپریالیستی، اتحادیه اروپا، اخیراً چند حزب و سازمان سیاسی فیلیپین را به لیست "جریانات تروریستی" افزود و بدین ترتیب، اقدامات سرکوب‌گرانه علیه فعالین سیاسی را تشدید نمود. در اواخر ماه اوت، اتحادیه اروپا، حزب کمونیست فیلیپین (CPP) و ارتش نوین خلق فیلیپین (NPA) را "تروریست" خواند و متعاقباً فشار بر سازمان‌ها و فعالین و اعضای آنها افزایش یافت. یکی از این اقدامات، متوجه رفیق "خوزه‌ماریا سی‌سون" از بنیان گذaran حزب کمونیست فیلیپین است که در هلنند به سرمی بردا وی در سال ۱۹۸۷ به عنوان پناهجوی سیاسی وارد هلنند شد. مقامات هلنند به مدت ۵ سال از اعطاء حق پناهندگی به رفیق سی‌سول سربازی زندن تا این که سرانجام به دنبال اعتراضات وسیع جهانی، وی و خانواده اش به عنوان پناهندگی سیاسی به رسمیت شناخته شدند. رفیق سی‌سون که از کمونیست های شناخته شده در فیلیپین و در سطح بین‌المللی می‌باشد و نقطه نظرات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی اش در جزوای و کتب مختلف انتشار یافته است، هم اکنون تحت شدید ترین فشارها قرار گرفته است. از هنگام اعلام حزب کمونیست فیلیپین، به عنوان حزبی "تروریست" حساب بانکی

اختیارداد و یگانه تاکتیک مقابله با بحران و نارضایتی توده‌ای را قهر و سرکوب می‌داند، به این نتیجه رسیده است که مقدم بر هر چیز باید به کشمکش درونی هیئت حاکمه پایان دهد و حاکمت یکپارچه خود را برقرار سازد. این جناح، پیشبرد این سیاست را به لحاظ زمانی در موقعیت کنونی مناسب می‌داند. چراکه اگر در مرافق اولیه به قدرت رسیدن خاتمه و سپس سلطه طرفداران وی در مجلس، از آن پیمادشت که واکنش آنها به یک بحران جدی تبدیل شود، اکنون که عملکرد چند ساله آنها به تعییف روزافون شان انجامیده است، موقعیت را برای نعرضی همه جانبیه تر برای حذف لاقل گروه‌های اصلی و رهبری کنده جبهه دوم خرداد مناسب می‌بیند. وظیفه پیش‌برد این سیاست نیز در هله نخست بر عهده شواری نگهبان قرار گرفته است. حدوداً یک سال و نیم بیشتر بیان دوره کنونی مجلس ارتعاج باقی نمانده است. شورای نگهبان از هم اکنون خود را آماده کرده است که در انتخابات دوره بعد، طرفداران خاتمه را قلع و قمع کند و صلاحیت گروه کثیری از آنها را رد نماید تا بدین طریق مجلس را از چنگ آنها در آورد و به جناح خود بسپارد. دوره دوم ریاست جمهوری خاتمه نیز مدتی بعد به پایان می‌رسد. اگر تا آن زمان جمهوری اسلامی هنوز پایرجا باشد، جانشین وی کسی خواهد بود که نخست از خامنه‌ای کسب اجازه کرده باشد.

از همین روزت که خاتمه و طرف داران وی شدیداً خطر را احساس کرده‌اند، نگرانی آنها تنها در این نیست که درنتیجه پیشبرد سیاست هم مبنی بر این که وی در چنین حالتی استعفا خواهد داد، یک توب توحالی و تاکتیک شکست خورده است. خاتمه حافظ و پاسدار حکومت اسلامی است. او همان‌گونه که خود مکرر اعلام کرده است، می‌خواهد بحران‌های رژیم را حل کند و مطلقاً در پی آن نیست که حتا در خدمت پیشبرد سیاست‌های جناح خودش، بحران را تشدید کند. از این گذشته دورانی که وی می‌توانست چنین نقشی بازی کند، مدت‌ها پیش سپری شده است. بنابراین می‌ماند این که جناح مسلط در آینده تا چه حد نیاز خواهد داشت که آنها را در خدمت سیاست‌های خود به کارگیرد. قطعاً این جناح ناگزیر است، کروهها و دستگاتی را از جبهه دوم خرداد برای پیشبرد سیاست‌های خود به کار گیرد و آنها نیز مشکل چندانی برای کار کردن تحت اموریت و فرمان این جناح ندارند، همان‌گونه که در گذشته بوده است، از این نمونه اند کارگزاران رفسنجانی و مجتمع روحانیون کروبی. با تمام این اوصاف، حتاً اگر اوضاع به روایی پیش رود که جناح مسلط چنین امکانی را می‌دهد. هیئت حاکمه راه گزینی از تضادها و شکاف‌های درونی و ادامه بحران در بالا ندارد. این وضع ادامه خواهد یافت تا بالآخره نیرویی خارج از حکومت به این تضادها و بحران‌ها پایان بخشد.

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

در برابر تعرض سرمایه داران به حقوق کارگران باید ایستاد !

گاه ها برای استفاده از مزایای لایحه فوق، فوراً دست به اخراج کارگران زدند تا تعداد کارگران را به ۵ کارگر برسانند، در مورد آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار نیز مسئله تکرار خواهد شد و کارفرمایان برای استفاده از مزایای این آئین نامه، دست به اخراج کارگران خواهند زد تا شمار آنها به مرز ۱۰ نفر و کمتر برسد. به ویژه آنکه این بار آنان از اختیارات بیشتری نیز برخوردار شده - اند ونه فقط در این راه منع قانونی ندارند، که آشکارتر و همجانبه ترازگذشته، از حمایت - های قانونی نیز برخوردارند. بنابراین، این مسئله کاملاً روش است که با جرای این آئین نامه، هم انبوی بسیار زیادی از کارگران، کار خود را از دست خواهند داد و هم در عین حال شمار کارگرانی که از شمول قانون کار خارج خواهند شد از تعداد کارگرانی که در لحظه حاضر در گارگاه های با کمتر از ۱۰ کارگر مشغول به کارند، بسیار فراتر خواهد رفت. رابعاً این درست است که برطبق آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، کارگران کار - خانه ها و کارگاه های بزرگ هنوز رسم و یا بر روی کاغذ از شمول قانون کار خارج نشده اند، اما این مسئله نیز روش است که چه از ناحیه اجرای این آئین نامه و چه از ناحیه ایجاد تغییرات دیگری در قانون کار به نفع سرمایه داران، کل طبقه کارگر ایران تحت فشار ها و تضییقات بیشتری قرار می گیرد و مجبور است مبارزات خود را علیه طبقه سرمایه دار در شرایط پیچیده تر و دشوار تری سازمان دهد. از هم اکنون دارند سر و ته بسیاری از مزایای کارگران این واحد ها را نیز می زنند. در زمینه تامین وسائل ایمنی کار، پشت گوش اندازی می کنند. در زمینه دفترچه های بیمه و ارائه خدمات اجتماعی نیز مشکل تراشی می کنند. بنا به گزارش ایستا، "در صورت تقاضای کارفرمایان کارگاه هایی که بیش از ۱۰۰ کارگر دارند، یک درصد از وجوده مبنای کسر حق بیمه طبق قانون تامین اجتماعی به آنان پرداخت می شود و در مقابل مسؤولیت پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری، کمک هزینه بارداری، کمک هزینه ازدواج، هزینه پروتز و اورتنز، پرداخت هزینه کفن و دفن، پرداخت هزینه سفر، اقامت بیمار و همراه به بیمه شدگان شاغل در کارگاه، به کارفرمای محو می شود." و بعد سازمان تامین اجتماعی هم بر حسن اجرای تعهدات کار- فرما نظارت خواهد کرد! هیچ تردیدی در این مسئله وجود ندارد که این ترفند سازمان تامین اجتماعی نیز اساساً شانه خالی کردن

همه هزینه بردار است و سرمایه دار مایل نیست این هزینه ها را نیز به جیبزند و در ضمن قید و بندی در زمینه شرایط استخدام کارگر، اخراج کارگر، تعیین ساعت کار و دستمزد و اضافه کاری و امثال آن نداشته باشد. از وضعیت اقتصادی و روابط بین کارگر و کار فرما نیز، سرمایه دار چندان رضایت ندارد. اگر وضعیت بحرانی حاکم است و سرمایه دار عجالتاً نمی تواند در شکل و اندازه مورد دل - خواه خود، سود کسب کند، نمی خواهد در تعطیل یک بخش یاتهام کارخانه و اخراج کارگران یک بخش یا تمام کارخانه هیچگونه محدودیتی داشته باشد و هر گونه قید و بند قانونی در این زمینه، یاتهدات مالی و حقوقی نسبت به وضعیت شغلی و آینده کارگران او را شدیداً آزار می دهد و با آن مخالف است. سرمایه دار نمی خواهد چیزیگری جز اراده و خواست او، بر شرایط کار و روابط کارگر و کارفرمای حاکم باشد.

آنچه تحت عنوان "مصلحت" فرمول بندی شده، در واقع امر منفعت بی چون و چرای سرمایه داران است که مبنای تهیه، تنظیم و اجرای آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار قرار گرفته است. طبق مواد هفتگانه این آئین نامه، نه فقط نزدیک به ۴ میلیون کارگر از شمول قانون کار خارج می شوند و معیار و اراده ای ناظر بر شرایط کار، استخدام، اخراج، تعیین میزان دستمزد، ساعت کار، اضافه کاری و امثال آن، معیار واردہ ای یکجانبه سرمایه دار است، بلکه با حذف مواد دیگری از قانون کار که مربوط به تعقیب و مجازات کار فرمایان می شد در صورتی که طبق ضوابط عمل نمی کردن، اکنون سرمایه داران و کارفرمایان در قبال اقدامات خود از لحاظ حقوقی و قانونی نیز به هیچ مقام و مرجعی پاسخگو نخواهند بود. باید در نظر داشت که اولاً این حدود ۳ میلیون و هشتاد و پنجاه هزار کارگری که دربیش از دو میلیون کارگر کوچک با ده کارگر یا کمتر از آن مشغول به کارند نیستند که بدین وسیله به شدت تحت فشارهای مالی و اقتصادی قرار می گیرند و سطح معیشت و زندگی آنان، مرزهای فقر و گرسنگی مزمن و دایمی را پیش سر می گذارد. با در نظر گرفتن ۵ نفر به عنوان متوسط اعضاء خانوار کارگری، شماراً این انسانها که قرار است به بهاء منفعت و سود بیشتر و فربه ترشدن سرمایه داران، با فقر، بیماری و تیره روزی و حشتناک - تری روزگار بگذرانند به حدود ۲۰ میلیون می رسد. دوماً مسئله به هیچ عنوان صرفاً به کارگاه های با کمتر از ۱۰ کارگر خلاصه نخواهد شد و همان طور که درمورد لا یا چه خروج کارگاه های کوچک با کمتر از ۵ کارگر از شمول قانون کار پیش آمد و صاحبان کار -

این تصمیمات و تغییرات برای طبقه کارگر به دنبال دارد پی برد. معهذا این فقط نگفته ها نیست که از ابعاد فاجعه امیزی که تصمیمات سرمایه داران و کارگزاران آنها برای طبقه کارگر به دنبال دارد، پرده برمی دارد، گفته ها نیز - تا آنجایی که گفته شده است ولو به شبیه قطره چکانی - آشکار و صریح براین قضیه صحه می گذارند.

در مورد چگونگی اجرای این آئین نامه در هفت ماده، از سوی عطاردیان دبیرکانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان و صادقی رئیس کانون عالی شورا - های اسلامی کار به امضاء رسید. به گزارش خبرنگار ایسنا، به موجب این آئین نامه، تعداد کارگران، "شرایط کار" وضع اقتصادی کارگاه و روابط کارگر و کارفرمای، مصلحت - هائی هستند که باعث شده اند تدوین کنندگان آن، کارگاه های کوچک دارای کمتر از ۱۰ نفر کارگر را از شمول ۸۵ ماده قانون کار و موادی از فصل تنبیهات و مجازات ها که مربوط به تنبیه و مجازات متخلفان از موادی است که در این آئین نامه حذف شده اند، خارج می کند" مستقل از چگونگی و نحوه اجرای سایر مواد آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار و بندھای قانون کار از جمله مواد ۲۷، ۴۹، ۱۸۹۵ و غیره که چند و چون آن در آینده روش ترخواهد شد، علی الحساب طبق همین آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، میلیونها کارگردیگر از شمول قانون کار خارج و از حداقل حمایت های قانونی که داشتند نیز محروم می شوند.

حقیقتاً از این وقیحانه تر و بی رحمانه تر نمی شد منافع سرمایه داران و استثمارگران را زیر عنوان "مصلحت" فرمول بندی کرد و برای تامین این منافع، طبقه کارگر و سفره خالی کارگران را مورد بورش قرار داد. به راستی "تعداد کارگران، شرایط کار، وضعیت اقتصادی کارگاه و روابط بین کارگر و کار فرما" چگونه "مصلحت" هایی هستند که برآن مبنای چند میلیون کارگر را باید از شمول قانون کار خارج ساخت و دهها هزار کارگر دیگر را به خیابان پرتاب کرد؟ سرمایه دار دنبال افزایش سود است. دنبال این است که چگونه هزینه های زیادی از کاهش و سود را افزایش دهد. سرمایه دار می خواهد از شمار کمتری از کارگران، کاربیشتری بکشد و دست - مزدی که به فرض به صد کارگر می دهد، به ۵۰ کارگر بدهد. اما دو برابر یعنی به اندازه همان صد کارگر از آنها کاربکشد. پس منفعت سرمایه دار در این است که شمار زیادی از کارگران را دک کند. سرمایه دار نمی خواهد هیچگونه تعهد و قید و بندی در زمینه شرایط کار داشته باشد. تامین بهداشت، اینمی محيط کار، لباس کار، ایاب ذهاب و غیره، این ها

خبری از ایران

* دانشجویان پیام نور
دست به اعتراض زدند

صدھاتن ازدانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد، در ساختمان اصلی این دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند و نسبت به کیفیت و امکانات پائین آموزشی و نیز انتقال کلاس های آموزشی به مکانی با کیفیت بدتر، اعتراض کردند. در پایان این اجتماع اعتراضی که حدود ۶ ساعت به طول انجامید، دانشجویان با صدور بیانیه ای خواستار اقدامات سریع رئیس دانشگاه جهت بهبود اوضاع و حل مشکلات مربوطه شدند.

* تجمع کارکنان در برابر استانداری

کارکنان مرکز تجاري شهر روسوتا در شیراز، با تحصين در برابر استانداری، نسبت به تصمیم مسئولین مبنی بر واگذاری این مرکز به بخش خصوصی، دست به اعتراض زدند. مسئولین، جهت تخلیه غرفه ها، دو ماھ به کارکنان مهلت داده بودند، اما اعتراض کنندگان در خواست فرست بیشتری کرده اند. شایان ذکر است که در این مرکز حدود ۱۳۰ غرفه وجود دارد که در هر یک دونفر مشغول به کار هستند و جملگی آنها نگران آینده شغلی خود هستند.

* دوخبر کوتاه

- بنا به گزارش روزنامه ایران، هجده طرح بانک صنعت و معدن به ارزش ۳۶/۸ میلیون دلار در سال گذشته به بانک ها برای دریافت تسهیلات ارزی معروف شده اند. که اخیراً با گشايش ارزی برای تمامی آنها موافقت شده است.

- مدیر کل دفتر حراسی وزارت علوم، در آستانه سال تحصیلی جدید، با صدور بیانیه ای نسبت به فعالیت ها و "تنش های" دانشجویی هشدار داد. او از جمله چنین عنوان کرد که "باید از هرگونه تندروی و حرکت افراطی جلوگیری کنیم".

کمک مالی رسیده

سوئیس

福德ائی شهید

رفیق کبیر حمید اشرف ۵۰ فرانک

* تجمع کارگران کشف شادان پور

صدھا تن از کارگران کارخانه کشف شادان پور، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های خویش، بار دیگر در برابر این کارخانه دست به تجمع مورور و سائل نقلیه در جاده قدیم کرج برای مدتی متوقف گردید. شایان ذکر است که نزدیک به ۳۰ ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. کارگران کشف شادان پور که مدت هاست سرگردان و بلا تکلیف اند، در این تجمع اعتراضی خواستار پرداخت حقوق های معوقه خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران چوخا

کارگران کارخانه نساجی چوخای ساری، بار دیگر دست به اعتراض زدند و روز سهشنبه ۲۶ شهریور ماه، با تجمع در برابر بانک صنعت و معدن ساری، خواستار پرداخت حقوق و مزایای معموقه خود شدند. نیروهای سرکوب، اجتماع اعتراضی کارگران را مورد هجوم قرار دادند. که در اثر آن چند تن از کارگران مجروح شدند. بیش از ۲۰ ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. کارگران خواستار حقوق های عقب افتاده، بیمه بیکاری و پایان بلا تکلیفی خود شدند.

* اعتراض کارگران مهیاران

صدھا تن از کارگران کارخانه رسیدگی و با فندگی مهیاران اصفهان، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خویش، در برابر استانداری اصفهان دست به تجمع مدت زدند و خواستار پرداخت یازده ماه حقوق و مزایای معموقه خود شدند.

* تجمع کارگران نازنخ

کارگران کارخانه نازنخ قزوین، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های خود، دست به تجمع اعتراضی زدند. بیش از سه ماه است که دستمزد کارگران این کارخانه پرداخت نشده است. کارگران با اجتماع در برابر استانداری، خواستار پرداخت فوری مطالبات خود شدند. بیکار شده اند.

* اعتراض کارگران پالایشگاه سرخس

گروه زیادی از کارگران پالایشگاه سرخس، در اعتراض به سیاست های مدیریت و عدم پیگیری و پاسخگویی مطالبات خود، در اواسط شهریور ماه دست به اعتراض غذا زدند. هم زمان با اعتراض غذای کارگران و در حمایت از آن، خانواده های کارگران نیز در وقت شورای شهر سرخس دست به تجمع اعتراضی زدند.

* تجمع اعتراضی دانشجویان دختر

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر دست به اعتراض زدند و ضمن برپایی یک اجتماع اعتراضی در برابر خوابگاه بسطامی این دانشگاه، خواستار رسیدگی به مشکلات خود از جمله بالا بردن طرفیت خوابگاهها و بهبود شرایط آن شدند.

گزارشی از انتخابات سوئد

پشت پرده انتخابات در سوئد و ریاکاری جریانات راست

(گوتنبرگ) داریم که اصلاً صحیح نیست. پشت هر درب خانه‌ای حداقل شش نفر قدر و نیم قد زغال سیاه به همراه مادرهای چاق و گنده‌شان که حتی‌نمی‌توانند سوئدی صحبت کنند، مثلث از گامبیا، وجود دارند. مادرها از خانه بیرون نمی‌آیند و مردهایشان هم فقط در کافه تریاها به سر می‌برند و کار – شان هم حقوق سوسیال گرفتن است. (این فرد رئیس یک کمون است و زمانی هم به عنوان یک فعال صلیب‌سرخ در آفریقا فعالیت داشته است).

نماینده دیگری می‌گوید: من در شورای اداره مهاجرین بودم که مدت ۱۵ تا ۲۰ سال این اداره شروع به پذیرش شیلیانی‌ها کرده است، آنهایی که در شیلی باید برای نان کار کنند، در سوئد نه تنها احتیاجی به کار ندارند بلکه مجانی پول هم می‌گیرند. شیلیانی‌ها ریادی به اینجا آمدند که زنرا پیشنهاد فرست نکرد آنها را از میان بردارد.

هنگامی که به بازارهای بزرگ نگاه می‌کنی زنان عجوزه مسلمان را می‌بینی که سه قدم پشت سرشوهرانشان حرکت می‌کنند با مقنعه و چادرسیاه و بلند که اینها باید از صافی عبور کنند. ما باید آنها را متوقف کنیم و در قرار هایشان کنترل کنیم.

چندی پیش با رهبر حزب مان در جلسه آموزشی رهبران شرکت کردیم و ایشان هم گفت که پذیرش مهاجرین اشتباه است. اما نمی‌توانیم راست و پوست کنده در بیرون اعلام کنیم، چون که به ما مارک راسیست بودن می‌زنند!!!

ما درس خواندیم و کارکردیم، اما آفریقائی‌های زیادی در این مملکت ریختند و نمی‌روند کار کنند.

باید این قضیه را در یک جا خاتمه داد، ما نمی‌توانیم فقط آنها را بدھیم، نصف جمعیت باید کارکنند برای آن نصف دیگر، این جوری نمی‌شود.

ما هیچ احتیاجی به کولی‌ها نداریم. من می‌خواهم در محلی که مهاجرین زندگی می‌کنند جایم را عرض کنم.

این‌ها تنها خودشان به سوئد نمی‌آیند بلکه نیمی از طایفه شان را هم می‌آورند.

البته یک بی میلی شدیدی در سوئد علیه مهاجرین وجود دارد. این گفته آخرین نماینده بود.

تمام گفته‌های فوق از طریق دوربین مخفی فیلم برداری شده بود، معهداً همین نماینده‌گان در برابر تلویزیون حتا بادیدن فیلم خودشان متک حرفاً خود می‌شدند !!

هر چند جناح به اصطلاح چپ و سوسیالیست باکسب ۵۳٪ آراء بر جناح رقبه بورژوازی با ۴۴٪ آراء پیروز شد، اما، آنچه حائز اهمیت است رشد روز افزون پدیده نژادپرستی و نژاد پرستان است. آنان چه به طور آشکار وعلی و چه به طور مخفیانه سازماندهی خود مشغول هستند. اگرگروهی از نژاد پرستان که در حزب

خوردشان هر لحظه خطر عدم ورود به پارلمان تهدیدشان می‌نمود، با طرح این شعاریه ۱۳/۲ در صد آراء عمومی دست پیدا کرد و بیشترین رشد را که ۱۳٪ بود به خود اختصاص داد. حالا چرا این شعار را محور تبلیغاتی خود قرار دادند و چرا این شعار باب میل بسیاری از رای دهنده‌گان بود، موضوع این نوشته‌نیست. بلکه منظور پرداختن به ریاکاری جریانات راست می‌باشد.

در طی تبلیغات انتخاباتی خبرنگاران دوشیوه گفتگو با نماینده‌گان احزاب و مبلغین را به کار گرفتند. یکی به شکل آشکار و جلوی دور بین تلویزیون و دیگری به شکل غیر رسمی با دوربین مخفی و بدین شیوه با هر نماینده ای که ترکیبی از سوسیال دمکراتها، حزب میانه رو (مدرات‌ها) حزب مرکز، حزب دمکرات مسیحی بود، گفتگوهایی صورت گرفت. این گفتگوها در بیش از ۳۰ شهر و ۵۰ اتفاق انتخاباتی تبلیغی انجام شد. جنبه‌هایی از سخنان نماینده‌گان این احزاب را که آشکارا خصائص نژاد پرستانه و بیگانه سنتیزی آنها را مدلل می‌ساز و در عین حال از ریاکاری‌های این احزاب از جریانات بورژوازی و راست پرده بر می‌دارد، پاهم مرور می‌کنیم.

دونماینده از سوسیال دمکراتها: کسانی که خطرناک و تهدیدی جدی برای جامعه سوئد می‌باشند مسلمانان هستند. هر چقدر اینها را بیشتر راهدهیم مشکلات اجتماعی را افزایش خواهند داد. مهاجرین را باید به کشورهای شان برگردانیم و فکر می‌کنم نباید ایرانی‌ها و عراقی‌ها مورد پذیرش قرار گیرند، من به این امر اعتقاد دارم.

نماینده دمکرات مسیحی: بین ۷۰ تا ۸۰ درصد مهاجرینی که از شرق می‌آیند تقلب کارند. آنها بی که نمی‌خواهند کار کنند و فقط کمک اجتماعی می‌گیرند و کار سیاه می‌کنند، به اینجا می‌آیند. ضمن این که حقوق زیادی از سوسیال می‌گیرند، مخارج خانه و فرزندان و درمانشان سراسر آوراست. هنگامی که تقاضای اقامت می‌کنند و جوابی نمی‌گیرند در حین انتظارشان ۲ تا ۴ سال همین جوری کمک مجانی می‌گیرند.

نماینده حزب مرکز: حزب خارجی ستیز دانمارک نسبت به مهاجرین و رنگین پوست‌ها کاملاً درست عمل می‌کند.

نماینده از حزب میانه رو (مدرات‌ها) چنین می‌گویند: دانمارک نسبت به مهاجرین به هیچ وجه اشتباه نمی‌کند و این بحث حتی بعد از انتخابات باید صورت گیرد. همگی باید آزمون زبان بدهند. ما کرده‌ایم، یوگسلاو-ها و کوسوو-آلبانی‌های بیش از زمون است که به آن تابعیت تعلق می‌گیرد. این حزب که تادروره قبیل حدوداً از حد نصاب چهار درصد آراء عمومی جهت وارد شدن به پارلمان برخوردار بود و با اتخاذ سیاستهای شکست

در پی تشید گرایشات نژاد پرستانه و خارجی ستیزی در کشورهای مختلف اروپا، از جمله در فرانسه، دانمارک، اتریش، بلژیک، هلند، اکنون شاهد رشد این گرایشات در سوئد هستیم.

روز ۱۵ سپتامبر انتخابات سراسری در سوئد برگزار شد که مردم شاهد بروز برخورد ها و صحبت های تکان دهنده و نژاد پرستانه ای ازسوی نماینده‌گان متعدد احزاب شرکت کننده بودند که این موضوع به سهم خود در نتایج انتخابات نیز تاثیر گذاشت.

در کشور سوئد ۷ حزب، نماینده‌گانی در پارلمان دارند که به دوجناح، بورژوازی و چپ و سوسیالیست "معروف هستند. احزاب دمکرات مسیحی، مدرات یا حزب میانه رو، مرکز و لیبرال مردم از جناح بورژوازی هستند و احزاب سوسیال دمکرات، چپ و محیط زیست را "چپ و سوسیالیست" می‌نامند.

البته این احزاب به اصطلاح چپ و سوسیالیست، به لحاظ پذیرش روند استعمار سرمایه و تاکید بر خصوصی سازی، هیچگونه اختلاف ماهوی با احزاب بورژوازی ندارند. در کنار این احزاب در قدرت و خارج از پارلمان، احزاب کوچکتری هم هستند که در راستای انتخابات کمون (شورای شهر) فعالیت می‌کنند. از جمله (KPMU) یعنی حزب مارکسیست لنینیست (انقلابی) با کسب ۱۱ کرسی در ۳ کمون و از سوی دیگر دمکرات‌ها سوئد یا همان نژاد پرستان آشکار (راسیستها) که در این دور از انتخابات کمونی، رشد چشم گیری داشتند و در ۲۳ کمون به ۵۷ کرسی دست یافتند.

به هررو در جریان مبارزات انتخاباتی، هر کدام از این احزاب یک یا چند موضوع برای خود برگزیده بودند که بتوانند حول و حوش آن تبلیغ کنند و افکار عمومی را به طرف خود جلب نمایند. مثل پائین آوردن مالیات‌ها بردرآمد، بهبود وضعیت مدارس، رفاه عمومی، بازنشستگان، حمایت از شرکت‌های کوچک و غیره.

در حین تبلیغات انتخاباتی میز گرد تلویزیونی با شرکت رهبران ۷ حزب تشکیل شد که اولین سؤال، مسئله پناهندگان و مهاجرین در رابطه بهم پیوستگی با اینتگراسیون بود که در عین حال یکی از داغ ترین مباحثی بود که توانست افکار عمومی را به طرف خود جلب نماید.

در این رابطه از جمله حزب لیبرال مردم (FP) مطرح کرد چنانچه هر مهاجری بخواهد به تابعیت سوئدی درآید باید یک آزمون یا تست زبان بدهد. تنها بعد از قبولی در این آزمون است که به آن تابعیت تعلق می‌گیرد. این حزب که تادروره قبیل حدوداً از حد نصاب چهار درصد آراء عمومی جهت وارد شدن به پارلمان برخوردار بود و با اتخاذ سیاستهای شکست

تظاهرات مردم جهان علیه سیاست‌های جنگ‌طلبانه امپریالیسم آمریکا

فلسطینی شدند و از حقوق و مطالبات مردم فلسطین دفاع نمودند.

درحالی که میلیونها تن از مردم سراسرجهان نفرت و انتزجار خود را از سیاست‌های جنگ‌طلبانه امپریالیستی ابراز می‌دارند، نمایندگان سیاسی انحصارات آمریکایی و انگلیسی، برای پیشبرد مقاصد جنگ‌طلبانه خود، به مانورهای جدیدی دست‌زده‌اند تا شاید بتوانند پشتونه "جامعه بین‌المللی" را چاشنی اقدامات جنگ‌طلبانه و تجاوز‌کارانه خود سازند. از این‌روست که فرستاده‌های جرج بوش، دوره گردی جدیدی را آغاز کرده‌اند تا دیگر قرتهای امپریالیست جهان را که اکنون به علت تضاد منافع و نیز فشار افکار عمومی از تائید اقدامات جنگ‌طلبانه آمریکا علیه مردم عراق خود داری کرده‌اند، منقاد شوند که اگر در این جنگ مستقیماً شرکت نمی‌کنند لاقل علیه آن‌اقدام نکنند و از قطعنامه‌های اولتیماتوم وار آمریکا و انگلیس علیه عراق درشورای امنیت حمایت کنند تالشکر کشی نظامی به عراق باشد. اما در اوضاع بین‌المللی کنونی ملل همراه باشد. اما در اوضاع بین‌المللی کنونی که تقریباً تمام جهان به مخالفت با برافروخته شدن جنگ، علیه عراق برخاسته است، بعید است که بتوانند این زمینه توفیقی به دست آورند. با تمام این اوصاف در این مسئله شکی نیست که امپریالیسم آمریکا برای پیش برد مقاصد سیاسی و اقتصادی خود در منطقه خاور میانه و آسیای مرکزی و نیز فاقد آمدن بحران اقتصادی که با آن دست به گریبان است، شدیداً در پی برافروختن این جنگ نه فقط علیه عراق، بلکه در آینده علیه کشورهای دیگر است.

مردم سراسرجهان اعتراض و مخالفت خود را نسبت به سیاست‌های جنگ‌طلبانه و جنایت کارانه، توسعه طلبانه و راهنمای امپریالیسم آمریکا ابراز می‌دارند. در چند روز گذشته، در تعداد دیگری از کشورهای جهان، مردم با راهپیمایی‌ها و تظاهرات گسترده، جنون جنگ‌طلبانه آمریکا را محکوم کردند.

بزرگ ترین این تظاهرات که نزدیک به نیم میلیون تن در آن شرکت نمودند، روز شنبه ۲۸ سپتامبر در لندن برگزار شد. مردم انگلیس در این تظاهرات، تلاش تبهکارانه دولت‌های آمریکا و انگلیس را در برآفروختن جنگی جدید علیه مردم عراق محکوم کردند و اهداف واقعی امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی را برای سلطه انحصاری بر منابع نفتی خاور میانه، رونق بخشیدن به بازار انحصارات تسلیحاتی و توسعه طلبی‌های ارضی بر ملا کردند. تظاهر کنندگان فریاد می‌زنند جنگ را متوقف کنید. در همین روز با فراخوان حزب کمونیست نوبنیاد ایتالیا، تظاهرات گسترده‌ای برپا گردید و حدود ۲۰۰۰۰۰ تن در تظاهرات رم شرکت کردند. در این تظاهرات، رحمتکشان ایتالیایی، جنگ افروزی امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی را محکوم نمودند. در برخی دیگر از کشورهای جهان نیز از جمله در استرالیا، تظاهراتی در ابعادی کوچک تر صورت گرفت.

شرکت‌کنندگان در تظاهرات روز شنبه، هم چنین سیاست‌های فاشیستی، سرکوبگرانه و توسعه طلبانه رژیم نژاد پرست اسرائیل به رهبری شارون را محکوم کردند. خواهان خروج نیروهای اشغالگر اسرائیلی از سرزمین‌های مردم

ازصفحه ۳ در برابر تعرض سرمایه داران به حقوق کارگران باید ایستاد!

این ارگان از مسؤولیت درقبال کارگران و رائده خدمات به کارگرانی است که سالها حق بیمه پرداخته اند و به یک عبارت، سازمان تامین اجتماعی با این شکر در واقع دارد زمینه لغو و حذف این کمک‌ها و خدمات را فراهم می‌کند.

دریک کلام، تعرض طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن علیه طبقه کارگر و سطح معیشت کارگری هم‌جانب است. شرایط کار، اصول و معیارهای ناظر بر روابط میان کارگر و کار فرما، عملاً به دست اراده و میل سرمایه دار سپرده شده است. همان دیدگاهی که در زمان تدوین قانون کار، اجبار کار فرما رابه رعایت برخی شرایط و موادی "خلاف شرع" می‌دانست و از "باب اجاره" دفاع می‌کرد، امروز بعد از دو دهه و زمانی که جبهه دوم خرداد و اصلاح طلب، هم قوه‌اجاری و هم قوه قانون گذاری را در دست دارد، عملاً پذیرفته شده و دارد اجرا می‌شود! اگر توکلی ضد کارگری و فرار اجتماعی نتوانست ایده‌های ضد کارگری و فرار اجتماعی خود را عملی سازد و این درجه از فشار و بی حقوقی را برکارگران تحمیل کند، اکنون اقای خاتمی اندک اندک دارد به آن جامه عمل می‌پوشاند. در برابر این تعرض سرمایه داران داخلی و شرکای خارجی آنها، طبقه کارگر باید بایستد و محکم‌تر از دهه قبل هم باید بایستد و از دست آوردهای خود حفاظت کند. کارگران صرف نظر از این که در کدام کارخانه و یا کارگاه به کار مشغولند و یا در معرض اخراج و بیکاری اند، و مستقل از این که در واحد تولیدی آنان چند نفر به کار مشغولند، باید متحداً علیه این زورگویی و تعرض دست به مقاومت و مبارزه بزنند. اگر کارگران مبارزه وسیعی را مستقل از تشكیل‌های رژیمی که برای هزارمین بار هم‌ستی خود را بسرا می‌اید و دولت پاسدار منافع آنها از جمله در جریان تهیه و تنظیم همین آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار نشان داده‌اند، سازمان دهنده، اگر متحد و یکپارچه وارد میدان شوند، بدون تردید قادر خواهند بود جلو تعریض سرمایه داران را بگیرند. در عین حال وظیفه کمونیست‌ها و همه نیروهای چپ انتقام‌بایست که از این مبارزات و از خواست‌های کارگری فعلانه دفاع و حمایت کنند و کارزار وسیعی را علیه تعرض سرمایه داران سازمان دهنند.

ازصفحه ۴ تداوی اعتراضات علیه سیاست‌های اقتصادی امپریالیستی

که به استثمار و حشیانه نیروی کارازان می‌پردازند، به اجرای نمایش پرداختند. گروهی با جلوگیری از تعدد اتومبیل‌ها، اعتراض سمبیلیک خود را به آلدگی محیط زیست، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که به زیالدسان صنایع کشورهای صنعتی بدل شده‌اند، نشان دادند. وسعت اعتراضات فوق و انعکاس وسیع آن موجب شد، پلیس بهشیوه‌های گوناگون از تجمع شرکت‌کنندگان ممانعت به عمل آورد و علی‌رغم اعتراضات آرام، دهها تن از تظاهر کنندگان را دستگیر نمودند.

باردیگر ابظه تکاگتگ پدیده نژاد پرستی و بیگانه ستیزی باطبقه سرمایه دار و نظم امور می‌داری را به نمایش گذاشت. این انتخابات در عین حال باردیگر براین حقیقت صده گذاشت که مبارزه علیه تعییض و نژاد پرستی و دفاع از حقوق پناهندگان و تبعیدیان از مبارزه علیه بورژوازی جهانی جدا نیست.

همزمان با برگزاری نشست وزرای اقتصاد و دارایی کشورهای جهان که به منظور شرکت در اجلاس سالیانه بانک جهانی در واشنگتن گرد آمده بودند، هزاران تن پاتظاهرات، مخالفت خود را با سیاست‌های اقتصادی امپریالیست‌ها که نتیجه ای جز خانه خرابی، فقر و بیکاری فزاینده در برداشته، به نمایش گذاشتند. تظاهرکنندگان با اقدامات متنوع سیاست‌های فوق را فشاء و محکوم نمودند. گروهی از آنها در اعتراض به شرایط کار در کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی در کشورهای در حال توسعه

آنان که در احزاب مختلفی متشکل شده‌اند، هر چند که در انتخابات اخیر پارلمانی با ۴۴٪ آراء شکست خورده‌اند، اما آنها نیز در حین کمک به نژاد پرستان آشکار، اهداف و مقاصد نژاد پرستانه خود را در شکل مخفیانه تری پیش نیزبرنامی دارند. انتخابات اخیر سوئد یک

ازصفحه ۵ گزارشی از انتخابات سوئد

"دکراتهای سوئد" متشکل شده‌اند، شمشیر را از روبسته‌اند و اشکاراً اهداف راسیستی خود را بیان و تبلیغ می‌کنند و همین‌ها ۵۷ کرسی در ۲۳ کمون را به دست آورده‌اند. گروه دیگری از

وحشی‌گری جدید

حکومت اسلامی

گزارشی از غرفه تشکیلات خارج کشور سازمان در جشن اومانیته

غرفه تشکیلات خارج سازمان فدائیان (اقلیت) در جشن اومانیته سال ۲۰۰۲

بادریافت نشریات و گفتگو با مسئولان غرفه با مواضع و نظرات سازمان آشنا شدند. چند نماینده‌گی از سازمان‌ها و احزاب دوست غیر ایرانی در غرفه خلاف جریان حضور یافتند. خبرنگاریک رادیویی آمریکایی به نام Pacific Radio که درشت نقطعه این کشور رله می‌شد با یکی از رفقاء غرفه درمورد تاریخچه سازمان، وضعیت رژیم جمهوری اسلامی و مواضع هیئت حاکمه فعلی ایالات متعدد در رابطه با ایران مصاحبه کرد. در ضمن یک ویژه نامه خلاف جریان به زبان فرانسوی تهیه شده بود که در صدها نسخه پخش شد. بحث‌هایی که امسال در فوروم‌های جشن، برنامه‌های ریزی شده بود بیشتر در رابطه با مبارزات مردم فلسطین، وضعیت و خیم سیاسی و اقتصادی در آمریکای جنوبی و خطر جنگ در خاور میانه و به ویژه عراق بود که امپریالیسم آمریکا و موتلفانش می‌خواهند به راه بیاندازند. گفتنی است که موضوع یکی از بیاندازند - هادریخش بین‌المللی جشن "چگونه مبارزات را برای یک انترناسیونالیسم نوین، جهانی کنیم؟" بود.

تشکیلات خارج کشور سازمان مابرای پنجمین سال پیاپی غرفه ای به نام "خلاف جریان" در جشن اومانیته داشت. خلاف جریان، نشریه تشکیلات خارج کشور سازمان است که هر ۳ ماه یک بار به دو زبان انگلیسی و فرانسوی منتشر می‌شود و در برگیرنده ترجمه مقلاطی از کار و اخبار کارگری ایران است. جشن اومانیته نیز از سوی دست اندرکاران این نشریه، ارگان حزب‌کمونیست‌فرانسه، ازبیش از پنجاه سال پیش در اواسط سپتامبر هر سال برگزار می‌شود.

جشن امسال، که نزدیک به پانصد هزار نفر در آن شرکت کردند، روزهای ۱۴، ۱۵ و ۱۶ سپتامبر در پارک بورژه، در شمال پاریس برقراربود. غرفه تشکیلات خارج کشور سازمان در بخش بین‌المللی جشن قرار داشت که در آن نزدیک به صد نماینده‌گی خارجی از جمله نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (FRAC) و احزاب کمونیست ویتنام، کوبا، پرتغال و جمهوری چک حضور داشتند. در طی سه روز جشن، صدها فرانسوی، غیر ایرانی و دهها ایرانی از غرفه خلاف جریان دیدن کردند و

قاضی اجرای احکام به هنگام اجرای حکم اعدام گفت که "اجرام حدود الهی قاطعانه ادامه پیدا خواهد کرد و اعدام‌ها در ملاء عام می‌تواند درس عبرتی باشد و شرارت‌ها را کاهش دهد." وی در عین حال اجرای چنین احکامی را خواست "مردم مسلمان" اعلام نمود که "از قوه قضائیه توقع برخورد قاطع دارند." والتبه برای این که نشاند هند که این "مردم مسلمان" تا چه حد از وحشی‌گری لذت می‌برند، چند صد حزب الهی را هم به محل اجرای احکام اعدام آورده بودند تا با شعار الهاکیر وحشی‌گری را تأیید کنند و خواهان افزایش آن گردند. روزنامه ایران از قول یکی از همین زنان حزب الهی نوشت: "ای کاش اقدام مشابهی نیز در مورد دختران و زنان خیابانی صورت گیرد که جوانان را به تباہی می‌کشند." اما چرا مسئله دختران خیابانی در اینجا مطرح می‌شود؟ به این علت که ۵ جوانی که به اعدام محکوم شدند، اتهام ریودن را رد کرده بودند و شاکیان را زنان خیابانی معرفی نمودند. به هر حال، اصل قضیه هرچه باشد، درین واقعیت تغییری پدید نمی‌آورد، که اعدام این ۵ جوان یک اقدام وحشیانه قضیه هم تغییری ایجاد نمی‌کند که مجرم اصلی در اینجا حکومت اسلامی است. چرا که حکومت اسلامی با ایجاد تضییقات و فشار-های بی‌حد و حصر و تحمل محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی متعدد، زنان و جوانان را در معرض آسیب‌های اجتماعی فراوانی قرارداده است. این دشمنی را در محروم کردن بک زنان است. این دشمنی را در عربیان زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی به عربیان ترین شکل ممکن نشان داده است. آنها را حتا از حقوق انسانی شان محروم کرده است. تضییقات را به زندگی شخصی و خصوصی شان نیز بسط داده است. حکومت اسلامی با وسعت دادن به ابعاد فقر در جامعه، هزاران و دهها هزار زن را به فحشاء و خودفروشی سوق داده است. آخوند وقاضی و زندانیانش به دختران جوان و کم سن و سال تجاوز می‌کنند. آنها را در فاحشه خانه‌هایی که دایر کرده اند به مقامات دولتی و پولدارها می‌فروشنند. و بعد هم که گند قضیه درمی‌آید، چند روزی آنها را زندانی می‌کنند و بعد ولشان می‌کنند، و صدها هزاران نمونه افساء شده از این دست. حالا ادعا می‌کنند به خاطر دفاع از زنان و حفظ امنیت آنها، اعدام در ملاء عام را برقا می‌کنند تا درس عبرتی باشد برای دیگران و با فشارهایی که جمهوری اسلامی بر جوانان علی-العموم وارد می‌آورد و تضییقات و محدودیت‌های بی‌شماری که این جوانان با آنها رو برو هستند، برهمیکس پوشیده نیست. اینجا کشوری - است که حتا راه رفتن یک دختر و پسر جوان

مراسم چهاردهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

در زندان‌های سیاسی زنان در ایران را تصویر می‌کرد. در پایان این شب یادمان، کیهان قطعاتی را با ویلن نواخت و چند ترانه به طور غیرمنتظره توسط میهن جزئی خوانده شد. مجری زن برنامه با خواندن اشعاری در بین برنامه‌ها شور دیگری به این شب یادمان داد. سالن برنامه با شعارهایی مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی و محکمه کلیه سران رژیم برای جنایت علیه بشیریت و نیزدستگلی که گلباران یک سلوی زندان را نشان می‌داد، تزئین شده بود. فعالین سازمان در فرانسه نیز یک پیام هم-بستگی به شرکت کنندگان و برگزار کنندگان این شب ارسال کردند.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران مراسمی را به یاد زندانیان سیاسی که در تابستان ۱۳۶۷ توسط رژیم جمهوری اسلامی کشتار شدند در روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۲ در پاریس برگزار کرد. این مراسم که با استقبال نزدیک به دویست نفر روبه رو شد با گزارشی مختصر در مردم سرکوب‌ها، ترورها و اعدام‌ها در یک سال اخیر آغاز شد. سپس یک نوازنده متفرقی فرانسوی به نام رولا زن به احرای چند قطعه‌باغیتار پرداخت. پس از آن نوبت به شاعر سرشناس نعمت‌آزم رسید که چند شعر از خود را به همراهی ویلن برای حاضران خواند و بسیاری از حاضران را تحت تاثیر شدید قرار داد. پس از آنتراتک، گروه تاتر نیانماشی به نام شبتم‌های آتشین را اجرا نمود که شکنجه

-ها بهدار بکشند تا این هم درس عبرتی باشد برای دیگران، که این دیگران البته توده‌های فقیر و بی‌چیز جامعه‌اند. فشارهایی که جمهوری اسلامی بر جوانان علی-العموم وارد می‌آورد و تضییقات و محدودیت‌های بی‌شماری که این جوانان با آنها رو برو هستند، برهمیکس پوشیده نیست. اینجا کشوری - است که حتا راه رفتن یک دختر و پسر جوان

در خیابان جرم است و مورد بازخواست و جلب آنها به مرکز پلیس. روشن است که در چنین کشوری مسبب اصلی تمام مصائب اجتماعی، نظم موجود و متهم درجه اول، حکومت اسلامی - است. وحشی‌گری‌های رژیم، اعدام و سنگسار و شلاق و شکنجه و زندان هم اجزای دیگری از جنایات بی‌شمار این متهم‌اند.

عواقب یک بدھی هشتاد میلیارد دلاری

که ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار از وام های ارزان قیمت دوران آقای هاشمی پرداخت شده است، اما در قالب قراردادهای نفت و گاز و بعضی قراردادهای دیگر همچون بای بک، پیش فروش محصولات، بیوانس، بیع متقابل و غیره برای ایران میزان بدھی ایجاد شده سر به ۸۰ میلیارد دلار می زند.

بلافاصله پس از این اظهارات، مقامات اقتصادی حکومت اسلامی به ناگزیر واکنش نشان دادند. وزیر اقتصاد و دارایی بدون این کمرقم بدھی اعلام شده ازسوی محمد هاشمی ریس دفتر سیاسی کارگزاران را تذکیب کرد، تنها گفت که "اظهار نظر ایشان خیلی کلی و غیر دقیق بود".

نوربخش، ریس کل بانک مرکزی نیز در این خبرنگار ایرنا گفت آنچه که به بانک مرکزی مربوط است و جزء تعهدات این بانک محسوب می گردد از ۲۱ میلیارد دلار تجاوز نمی کند. مابقی مربوط به قراردادهای بیع متقابل و تعهدات وزارت نفت است که جزء تعهدات بانک مرکزی محسوب نمی شود. او ضمناً گفت که "من راجع به صحت و سقم این اظهارات نظر نمی دهم." اما وزیر نفت چه گفت؟ وزیر نفت نیز اعلام نمود تعهداتی که این وزارت خانه ایجاد نموده است حدود ۲۳ میلیارد دلار است. امامه مین آقای وزیر نفت یک

روز پس از این اظهارات در مصاحبه دیگری ضمن رد گزارش مرکز پژوهش های مجلس در مورد ایجاد تعهد ۱۰۲ میلیارد دلاری از سوی وزارت نفت، رقم ۲۳ میلیارد دلار را به ۱۹ میلیارد کاهش داد و گفت بخش زیادی از رقم اعلام شده در گزارش مرکز پژوهش های مربوط به تعهدات ایجاد شده ازسوی وزارت خانه های دیگر است. اما این که وزارت خانه های دیگر کدامند؟ به آن اشاره نکرد. لابد چندین میلیارد دلار آن مربوط به وزرات خانه های بازرگانی، صنایع، کشاورزی و امثال آنهاست. میلیاردها دلار مربوط به وزارت دفاع و خریدهای هنگفت تسليحات است و میلیاردها دلالار توسط موسسات و بنیادهای رنگارنگ دولتی و مذهبی تعهد ایجاد شده است. از این قرار معلوم میزان بدھی دولت به موسسات و نهادهای انحصاری بین المللی از ۱۰۰ میلیارد دلار هم تجاوز می کند. چون سراغ هر وزارت خانه و موسسه دولتی که گرفته شود، چند ده میلیارد دلار به عنوان تعهداتی که ایجاد نموده می پذیرند و بقیه را

به وزارت خانه های موسسات دیگر حواله می دهند. این که چنین بدھی هنگفتی چه تاثیرات مخرب و وحشتناکی بر زندگی کارگران و زحمتکشان ایران گذاشته و در آینده در ابعاد وحیمتری بر جای خواهد گذاشت برکسی پوشیده نیست. این بدھی بدان معناست که رقمی در حدود ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار قرض بر دوش توده های رحمت کش مردم گذاشته شده است. کارگران ایران باید جان بکند، بیشتر تولید کنند، کمتر بخورند و فقیرتر شوند، تا بخشی از این قروض پرداخت گردد. تفاوتی نمی کند، که این پرداخت نقدی باشد یا پرداخت از طریق نفت به بهای ارزان. ثروت های طبیعی و زیرزمینی جامعه که باید در خدمت آسایش و رفاه کنونی مردم و آیندگان قرار می گرفت، از هم اکنون پیش فروش شده اند. با این همه، حجم این بدھی کلان نه تنها کاهش خواهد یافت، بلکه با بهره های سنجینی که با عنایوین و اسامی مختلف برآنها بسته شده است، سال به سال افزایش خواهد یافت. این تعهد کلان در حالی ایجاد شده است که بخش اعظم آن به جیب سرمایه داران ایرانی و سران دستگاه دولتی ومذهبی سراسری شده است. بخش دیگر آن را دستگاه انگل دولتی بلعیده است. بخشی را نیز که اعدا می کنند در زمینه صنعتی و اقتصادی سرمایه گذاری کرده اند، از هم اکنون به شکل های مختلف به جیب زده اند و پیش اپیش آنها را به انحصارات بین المللی فروخته اند که تا چندین سال مفت و مجانی آنها را ببرند و سود آنرا به جیب بزنند.

این همه در حالی است که خزانه دولت در آغاز نیمه دوم سال تا آنچایی تهی است که هم اکنون کابینه خاتمی در جستجوی راهی برای تامین هزینه های دستگاه دولت در نیمه دوم سال جاری است. فروش اوراق قرضه داخلی و خارجی هم کفایت نکرد. راه باقی مانده، قروض جدید دولت از بانک های داخلی، کاهش بیشتر ارزش پول، افزایش نرخ تورم و کاهش بیشتر قدرت خرید و تنزل بیشتر سطح معیشت کارگران و زحمتکشان است. و فاجعه آنچایی رخ خواهد داد که درنتیجه نوسانات در بازار نفت، بهای نفت دوباره کاهش باید و تمام باراین کاهش، بر دوش کارگران و توده های زحمتکش قرار داده شود. عواقب وحشتناک بدھی ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلاری، هنوز در پیش است.

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian - minority.org

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

|http://www.fedaian - minority.org|



Organization Of Fedaian (Minority)

No.390 oct 2002

حکومت شورائی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K.A.R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

آلمان

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

اطریش

I.S.F
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

دانمارک

M.A.M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئد

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

سوئیس

A.A.A
MBE 265
23 , Rue L'ecourbe
75015 Paris
France

فرانسه

K.Z
P.O.BOX
2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کانادا

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپیز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲